

جزء ۹ – صفحه ۱۶۲ تا صفحه ۱۸۱

الجزء التاسع - الصفحة ١٦٢ إلى الصفحة ١٨١ Juz' (Part) 9 - Page 162 to Page 181



In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



«فال المُلَا النَّه النَّذِينَ اسْتَكُبُرُوا «فال المُلَا النَّه النَّذِينَ اسْتَكُبُرُوا

رؤسا و گردنکشان The elders among his people



قوم او گفتند: ای شعیب

who had acted proudly said: "We'll run you out of our town, Shu'ayb,

وَ النَّذِينَ عَامَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْبَتِنَا

ما تو و پیروانت را از شهر خویش بیرون می کنیم as well as those who believe along with you;



مگر آنکه به کیش ما برگردید. شعیب گفت: "!or else you will return to our sect





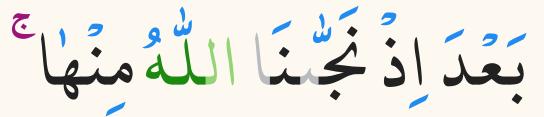
اگر چه با این نفرت که ما از آیین شما داریم (باز هم به آن بازگردیم)؟ (۸۸) He said: "Even though we detest it? (88)



اگر ما به دین شما برگردیم We'd invent a lie about God



با وجود آنکه خدا ما را از آن نجات داده if we returned to your sect now



همانا به خدا افترا و دروغ بسته ایم، after God has saved us from it.



و هرگز نشود که ما به آیین شما رجوع کنیم There is no means for us to return to it



مگر آنکه مشیّت خدا قرار گیرد، که او پروردگار ماست، unless God our Lord should wish us to;

وَسِعَ رَبّنا كُلّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَمًا

پروردگار ما بر همه چیز کاملا آگاه است، our Lord comprises everything in knowledge.



ما بر خدا توکل کردیم، On God have we relied.



رَبّنَا افْتَحُ بَيْنَا وَ بَيْنَ قُومِنَا

پروردگارا، تو بین ما و امت، Our Lord, really deliver us from our own people;



به حق داوری کن که تو بهترین داورانی. (۸۹) You are the best Deliverer." (89)



سران کافر امتش The elders among his people



گفتند:

who disbelieved said:





اگر پیروی شعیب کنید "If you follow Shu'ayb,



البته در زیان خواهید افتاد. (۹۰) you will then be losers." (90)



فأخذتهم الرجفة

پس زلزله آن منکران را درگرفت، پس شب را صبح کردند So the Tremor caught them,



در حالی که در خانههای خود به خاک هلاک افتادند. (۹۱) and one morning they lay cowering in their homes: (91)

أَلَّذِينَ كَذَبُوا شُعَيْبًا

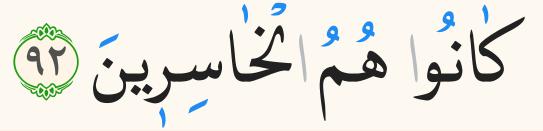
آنان که شعیب را تکذیب کردند هلاک شدند those who rejected Shu'ayb [ended up]



و اثری از آنها باقی نماند، گویی در آن دیار نبودند. as if they had never been so wealthy in them;

الذير كذبوا شعببا

آنان که شعیب را تکذیب کردند those who rejected Shu'ayb



خود زیانکار شدند. (۹۲) were the losers! (92)



فَتُولِى عَنْهُمْ وَقَالَ بِا قَوْمِ

آن گاه شعیب از آن مردم بی ایمان روی گردانید و گفت: ای قوم، So he turned away from them and said: "My people,



من به شما ابلاغ رسالتهای خدای خود کردم I have delivered my Lord's messages to you



وَ نَصِحْتُ لَحَمُ

و شما را اندرز و نصیحت نمودم، and counselled you sincerely.



اکنون من چگونه بر هلاک کافران غمگین باشم! (۹۳) Why should I grieve over a disbelieving folk?" (93)

وَ مَا ارْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَبِي

و ما هیچ پیغمبری به هیچ شهر و دیاری نفرستادیم We have never sent a prophet into any town



مگر آنکه اهلش را به شداید و محن مبتلا ساختیم unless We [first] seized its people with suffering and hardship,



(۹۴) تا به درگاه خدا تضرع و زاری کنند. (94) so that they might be humbled. (94)



سپس آن سختیها را به آسایش و خوشی مبدّل کردیم Then We turned evil into good

حَتى عَفُوا وَ قَالُوا

تا به کلی حال خود را فراموش کرده و گفتند: آن رنج و خوشیها so that they were thriving, and said:



به پدران ما نیز رسید (و این عادت روزگار است که گاهی خوش و گاهی ناخوش است)،

Both hardship and happiness befell our ancestors."



ما هم به ناگاه آنان را گرفتیم So We seized them suddenly



در حالى كه (از توجه به آن عِقاب) غافل بودند. (٩۵) while they did not even notice it. (95)

وَ لَوْ أَنَّ الْقُرْيَ

و چنانچه مردم شهر و دیارها If the townsfolk had



همه ایمان آورده و پرهیزکار می شدند (only) believed and done their duty,





همانا ما درهای برکاتی We would have showered blessings

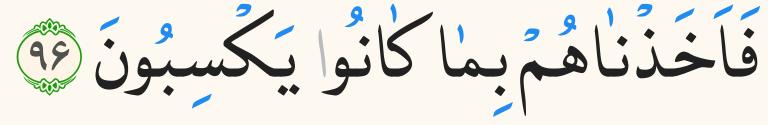


از آسمان و زمین را بر روی آنها می گشودیم from Heaven and Earth on them,



وَ لَكِرِ ثَى كَذَبُوا

و لیکن (چون آیات و پیغمبران ما را) تکذیب کردند but they rejected [them], so We seized them



ما هم آنان را سخت به کیفر کردار زشتشان رسانیدیم. (۹۶) because of what they had been acquiring. (96)

اَ فَامِنَ اَهُلُ النَّفُرِي اَنِ يُحْرَى ان يَاتِيهُمْ

آیا اهل شهر و دیارها (که به نافرمانی خدا و اعمال نکوهیده مشغولند)

Do townsfolk feel secure from Our might's striking them



از آن ایمنند که شبانگاه که در خوابند عذاب ما آنها را فرا گیرد؟ (۹۷) at dead of night while they are asleep? (97)

اوَ امِنَ اهْلُ الْقُرْمَى أَنْ يَاتِيهُمْ

آیا اهل شهر و دیارها (که از یاد خدا و طاعت او غافلند) از آن ایمنند Or do the people of the towns feel safe from Our might's striking



(۹۸) که به روز که سرگرم بازیچهٔ دنیا هستند عذاب ما آنان را فرا رسد؟ (۹۸) them in broad daylight while they are playing around? (98)

أَفَامِنُوا مَكُرُ اللَّهِ فَلا يَامَنُ

آیا از مکر خدا (یعنی آزمایش و مجازات خدا) غافل و ایمن گردیدهاند؟ Do they feel safe from God's design? No one should feel safe



که از آن مکر و انتقام البته کسی غافل نشود مگر مردم زیانکار. (۹۹) from God's design except for folk who will lose out. (99)

اَوَ لَمْ يَهُدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ

آیا این مردمی را که بعد از اقوامی که همه مُردند، Were those who will inherit the earth



وارث زمین شدند (خدا) آگاه نفرموده که اگر ما بخواهیم after its [present] people never shown how



اَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ

به کیفر گناهانشان می رسانیم و بر دلهایشان We would strike them down for their offences and seal off their



مُهر می نهیم که دیگر (به گوش دل چیزی) نشنوند؟ (۱۰۰) hearts if We so wished, so they would not hear? (100)



این است شهرهایی که We have related news



ما بر تو از اخبار اهلش بیان کردیم، concerning those towns to you:



وَ لَقَدُ جَاءَتُهُمُ رُسُلُهُمْ بِالْبَيْنَاتِ

همه را رسولان حق با ادلّهٔ روشن آمدند their messengers came to them with explanations, yet they were not

فَمَا كَانُوا لِبُؤُمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبُلْ

اما بر آن نبودند که به آنچه پیش از آن تکذیب کرده بودند ایمان بیاورند. in any mood to believe in something they had already rejected.

كذلك يَطْبَعُ اللَّهُ

این چنین خدا Thus God seals off



دلهای کافران را مُهر میزند. (۱۰۱) disbelievers' hearts. (101)



وَ مَا وَجَدُنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ ذَ

و اکثر مردمان را در عهد استوار ندیدیم We did not find any agreement was ever kept by most of them,



بلکه بیشترشان را عهدشکن و بزهکار یافتیم. (۱۰۲) although We did find most of them were quite immoral! (102) ثُمّ بَعَثْنَا مِنْ بَعُدِهِمْ مُوسَى بِايَاتِنَا اللهُ الله

بعد از آن رسولان، باز ما موسی را با آیات و ادلّهٔ روشن خود به سوی فرعون Then after them, we despatched Moses with Our signs

إلى فِرْعُونَ وَ مَلَابِهِ فَظُلَمُوا بِهَا تَ

و مهتران قومش فرستادیم، آنها هم با آن آیات مخالفت و به آنها ستم کردند to Pharaoh and his courtiers, and they mistreated them.



بنگر تا عاقبت See how the outcome



به روزگار آن تبهکاران چه رسید! (۱۰۳) was for mischief-makers! (103)

وَ قَالَ مُوسَى يَا فِرْعُونُ

و موسى خطاب كرد كه اى فرعون، Moses said: "Pharaoh,



محققاً من فرستادهای از خدای عالمیانم. (۱۰۴)

I am a messenger from the Lord of the Universe. (104)



سزاوار آنم که It is (only) right for me



از طرف خدا چیزی جز به حق نگویم، to say nothing except the Truth about God.



قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيْنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَبُوْ مِنْ الْمِنْ أَمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمُعْلَمُ الْمُنْ الْمُ

همانا دلیلی بس روشن (معجزهٔ بسیار آشکار و حجتی محکم و استوار) از جانب I have brought you an explanation from your Lord,



پروردگارتان برای شما آورده ام، پس بنی اسرائیل را با من بفرست. (۱۰۵) so send the Children of Israel away with me." (105)



فرعون پاسخ داد که اگر دلیلی He said: "If you have brought some sign,



برای صدق خود داری بیار اگر از راستگویانی. (۱۰۶) well produce it then if you are so truthful!" (106)

فَالْقَى عَصاهُ

موسی هم عصای خود را بیفکند He tossed his staff down and imagine,



به ناگاه از آن عصا، اژدهایی عظیم پدیدار گردید. (۱۰۷) it obviously became a snake! (107)

وَ نَزْعَ بَدَهُو

و دست (از گریبان خود) برآورد He pulled out his hand [from his shirtfront],



که ناگاه بینندگان را سپید و رخشان بود. (۱۰۸) and imagine, it was white to the onlookers! (108)



مهتران قوم فرعون گفتند که The notables among Pharaoh's people said:



این شخص ساحری سخت ماهر و داناست. (۱۰۹) "This is some clever magician! (109) ارادهٔ آن دارد که شما را از سرزمین خود بیرون کند، He wants to drive you out of your land;



اکنون در کار او چه دستور می دهید؟ (۱۱۰) so what do you command?" (110)

قَالُوا ارْجِهُ وَ اَخَاهُ

قوم به فرعون گفتند که موسی و برادرش (هارون) را They said: "Put him and his brother off,



زمانی بازدار و گردآورانی به شهرها بفرست. (۱۱۱) and send recruiters out through the cities (111)





تا ساحران زبردست دانا را به حضور تو جمع آورند. (۱۱۲) who will bring you in every clever magician." (112)



و عدّهٔ بسیاری ساحران به حضور فرعون گرد آمده، The magicians came to Pharaoh.



قَالُوا إِنَّ لَنَا لَا جُرًا

فرعون را گفتند: اگر بر موسی غالب آییم They said: "Will we have some payment



برای ما اجر و مزد شایان خواهد بود؟ (۱۱۳) if we are the winners?" (113)





فرعون پاسخ داد: بلی He said: "Yes,



و علاوه بر آن نزد من از مقربان خواهید گشت. (۱۱۴) and you will become courtiers." (114)

قَالُوا يَا مُوسَى إِمَّا آنِ تُلْقِي

ساحران به موسی گفتند: اکنون خواهی نخست تو عصای خود بیفکن They said: "Moses, will you throw something down



يا ما بساط سحر خويش بيندازيم. (١١٥) or shall we be the ones to throw [first]?" (115)

فال القوا

موسى گفت: شما اول اسباب خود بيفكنيد. "![first]!"

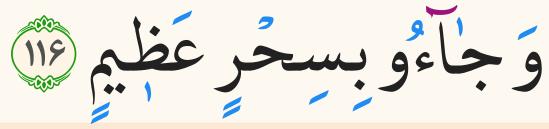


چون بساط خود انداختند به جادوگری چشم خلق بربستند So when they threw, they charmed the people's eyes





و مردم را سخت به هراس افکندند، and overawed them.



و سحری بس عظیم و هول انگیز برانگیختند. (۱۱۶) They produced a splendid trick! (116)



﴿ وَ اوْ حَيْنَا إِلَى مُوسَى انْ الْقِ عَصَاكَ وَ

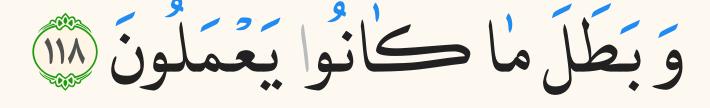
و ما به موسى وحى نموديم كه عصاى خود را بيفكن، (چون عصا انداخت)
We inspired Moses with: "Throw your staff," and imagine,



ناگاه معجزهٔ او هر چه ساحران بافته بودند، یکباره همه را ببلعید. (۱۱۷) it swallowed up whatever they had trumped up! (117)



پس حق ثابت شد Truth prevailed



و اعمال ساحران همه باطل گردید. (۱۱۸) and what they had been doing collapsed; (118)



فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ

عاقبت فرعونیان در آنجا مغلوب شده و خوار و سرشکسته بازگشتند. those men were defeated and were turned back belittled.



(۱۱۹) و ساحران بی اختیار به سجده افتادند. (۱۲۰)

(119) The magicians dropped down on their knees; (120)



گفتند: ما ایمان آوردیم به خدای عالمیان، (۱۲۱) they said: "We believe in the Lord of the Universe, (121)



خدای موسی و هارون. (۱۲۲) the Lord of Moses and Aaron." (122)



قَالَ فِرْعُونُ ءَامَنُتُمْ بِهِ

فرعون گفت: چگونه پیش از دستور Pharaoh said: "You have believed in Him



و اجازهٔ من به او ایمان آوردید؟ before I permit you to!



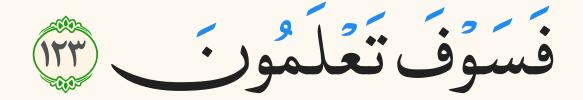
إنّ هذا لَمُكُرُّ مَكُرَّتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ

همانا این مکری است که در این شهر اندیشیده اید This is some scheme which you have hatched in the city



که مردم این شهر را از آن بیرون کنید، in order to drive its people out.





پس به زودی خواهید دانست! (۱۲۳) You will soon find out! (123)

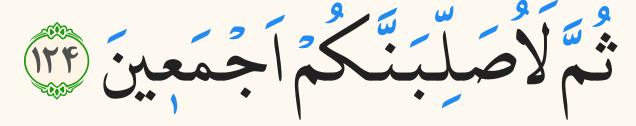


همانا دست و پای شما را I'll cut off your hands





یکی از راست و یکی از چپ بریده and feet on opposite sides;

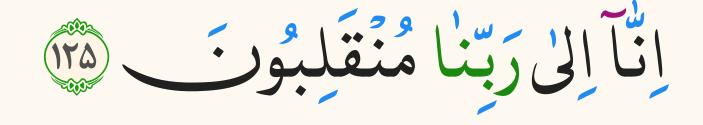


و آن گاه همه را به دار خواهم آویخت. (۱۲۴) then I'll crucify you all." (124)



فالوا

ساحران گفتند: They said:

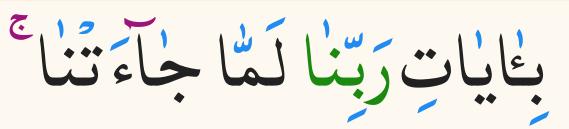


ما به سوی خدای خود باز می گردیم. (۱۲۵)

"We will be sent home to our Lord. (125)

وَ مَا تَنْقِمُ مِنْ آلِلا آنِ عَامَنًا وَ وَمَا تَنْقِمُ مِنْ آلِلا آنِ عَامَنًا

و کینه و انتقام تو از ما تنها به جرم آن است You are persecuting us only because we have believed

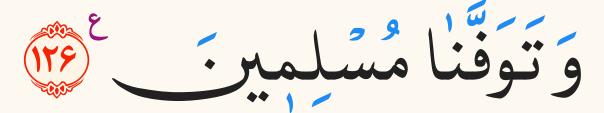


که ما به آیات خدا چون برای (هدایت) ما آمد ایمان آوردیم، in our Lord's signs once they were brought us.



رَبّنا آفرغ عَلَيْنا صَبْرًا

بار خدایا، به ما صبر و شکیبایی ده Our Lord, pour patience over us,



و ما را به آیین اسلام (یعنی با تسلیم و رضای به حکم خدا) بمیران. (۱۲۶)

and gather us up [at death] as Muslims!" (126)



و سران قوم فرعون گفتند: The notables among Pharaoh's people said:



آیا موسی و قومش را واگذاری "Are you letting Moses and his people





تا در این سرزمین فساد کنند ruin the earth,



و تو و خدایان تو را رها سازند؟ "?and forsake you and your gods



قَالَ سَنْقَتِلُ اَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْبِي

فرعون گفت: به زودی پسرانشان را کشته و زنانشان را زنده گذاریم (و در رنج He said: "We shall slaughter their sons and let their women



و عذاب خدمت و اسارت نگاه داریم) و ما بر آنها غالب و مقتدریم. (۱۲۷) live; we stand irresistible over them." (127)

قَالَ مُوسَى لِقُومِهِ اسْتَعِينُوا

موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری خواهید Moses told his people: "Seek help from God



و صبر کنید and act patient;



إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ بُورِثُهَا مَنْ بَشَاءُ

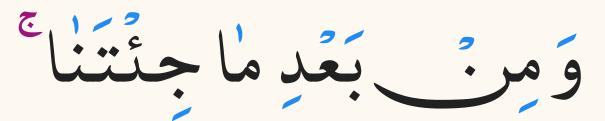
که زمین ملک خداست، آن را به هر کس از بندگان خود خواهد the earth belongs to God. Anyone He wishes from among His servants



به میراث دهد، و حسن عاقبت مخصوص اهل تقواست. (۱۲۸) will inherit it, and the outcome belongs to the heedful." (128)

قَالُوا أُوذِينًا مِنْ قَبُلِ أَنْ تَأْتِينًا

قوم موسی به او گفتند که ما هم پیش از آمدن تو (به رسالت) They said: "We were oppressed before you came to us,



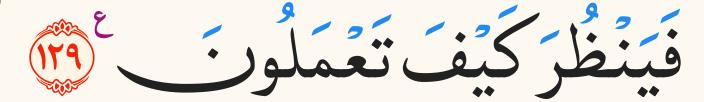
و هم بعد از آنکه آمدی به رنج و شکنجهٔ (دشمن) بوده ایم، and [will be again] after you have come to us." قَالَ عَسَى رَبُّكُمُ أَنْ يُهَلِكُ عَدُوَّكُمْ

موسی گفت: امید است که خدا دشمن شما را هلاک نماید He said: "Perhaps your Lord will wipe out your enemy



و شما را در زمین جانشین کند and leave you as overlords on earth,





آن گاه بنگرد تا شما چه خواهید کرد. (۱۲۹) so He may observe how you act." (129)

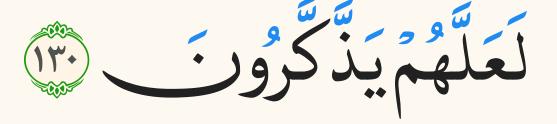


و فرعونیان را سخت به قحط و تنگی معاش We gripped Pharaoh's household with years [of trial]





و نقص و آفت برکشت و زرع مبتلا کردیم and a shortage of fruit



تا شاید متذکر شوند. (۱۳۰) so they might bear it in mind. (130)



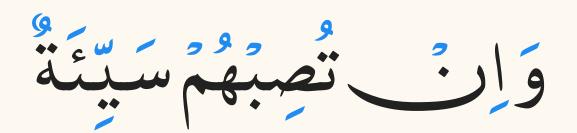


پس هرگاه که نیکویی (و پیشامد خوشی) بدانها میرسید Whenever something fine came to them,



به شایستگی خود نسبت می دادند، they said: "This is ours;"





و هرگاه بدی (و پیشامد ناگواری مانند قحط و سختی) بر آنها میآمد while if something evil afflicted them, they took it



فال بد به موسی و همراهانش میزدند. as an omen connected with Moses and whoever was with him.



الآانما طائرهم عند الله

آگاه باشند که فال بد آنها نزد خداست (یعنی رنج و سختیها که بر آنان Did not their omen only lie with God?



پیش آید کیفر از جانب خداست) لیکن اکثر آنها بر این آگاه نیستند. (۱۳۱)

Yet most of them do not realize it. (131)

وَ قَالُوا مَهُمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ عَايَةٍ

و گفتند: هر آیه و معجزهای که برای ما بیاوری They said: "No matter what sign you may bring us



که ما را بدان سحر کنی to charm us with,





هرگز ما به تو ایمان نخواهیم آورد. (۱۳۲) we will never believe in you." (132)



پس بر آنها طوفان We sent the flood



وَ الْجُرَادَ وَ النَّفْمَلُ وَ الضَّفَادِعَ وَ الدُّمْ

و ملخ و شپشک و وزغ و خون (خون شدن آب) آن نشانههای آشکار and grasshoppers, lice, frogs and blood on them



(قهر و غضب) را فرستادیم، باز طریق کبر و گردنکشی پیش گرفتند as distinguishing signs, yet they (still) acted proudly



و قومی گناهکار بودند. (۱۳۳) and were criminal folk. (133)



و چون بلا بر آنها واقع شد Whenever some plague fell upon them,



قَالُوا بِنَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبُّلِكَ

گفتند که ای موسی، خدایت را به عهدی که they said: "Moses, appeal to your Lord for us,



باتو دارد بخوان (تا این عذاب و بلا را از ما دور کند)، because of what He has pledged for you;



لئن كشفت عنّا الرِّجْزَلْنُؤُمِنَنَ لَكُ

که اگر رفع بلا کردی البته ایمان به تو می آوریم if you will lift the plague from us, we will believe in you

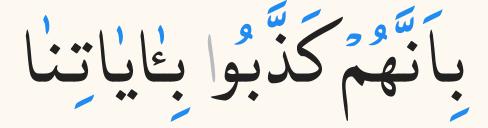


و بنی اسرائیل را به همراهی تو می فرستیم. (۱۳۴) and send the Children of Israel away with you." (134) پس چون بلا را تا مدتی که متعهد شدند ایمان آورند Yet whenever We lifted the plague from them for a period which



از سر آنها رفع کردیم، باز پیمان را شکستند. (۱۳۵) they were to observe, why, they failed to keep it! (135) فانتقمنا مِنْهُمْ فَاغْرَقْنَاهُمْ فِي الْبَيِّم

ما هم از آنان انتقام کشیدیم و آنها را به دریا غرق کردیم We avenged Ourselves on them and drowned them in the deep,



به کیفر آنکه آیات ما را تکذیب کرده because they had rejected Our signs



و از آن غفلت نمودند. (۱۳۶) and been so heedless of them. (136)



و طایفه ای را که فرعونیان We let a folk whom



ذلیل و ناتوان می داشتند وارث مشرق they considered to be inferior inherit the Eastern

وَ مَغَارِبَهَا الَّتِي بِارَكْنَا فِيهَا '

و مغرب زمین با برکت (مصر و شامات) گردانیدیم and Western parts of the land which We had blessed.

وَ تُمَّتُ كُلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَى عَلَىٰ

و آن سخن و وعدهٔ نیکوی خدای تو بر بنی اسرائیل Your Lord's finest word was accomplished for the Children of Israel



تحقق یافت به پاداش صبری که (در مصائب) کردند، because they had been so patient. وَ دَمَّرْنَا مَا كَانِ يَصْنَعُ فِرْعُونُ *

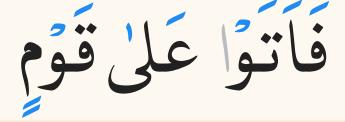
و آنچه را فرعون و قومش می ساختند و می افراشتند We destroyed everything Pharaoh and his people



(از صنایع و عمارات و کاخهای با عظمت) **ویران نمودیم. (۱۳۷)** had been producing and whatever they had been building. (137) 🍐

وَ جَاوَزُنَا بِبَنِي إِسُرَائِيلَ الْبَحُر

و بنی اسرائیل را از دریا به ساحل رسانیدیم، We led the Children of Israel across the sea.



They came upon a people

یس به قومی که



يَعْكُفُونَ عَلَى آصْنَامِ لَهُمْ

بر پرستش بتان خود متوقف بودند برخورده، who were dedicated to some idols they had.

قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلُ لَنْا وَاللَّهَا

گفتند: ای موسی برای ما خدایی مثل خدایانی که They said: "Moses, make a god for us





این بت پرستان راست، مقرر کن. like the gods they have."



موسی گفت: شما سخت مردم نادانی هستید. (۱۳۸)

He said: "You are a folk who act ignorantly. (138)



إن هولاء منبر ما هم فيه

خدایانی که این جماعت بت پرستان راست فانی، Anything those people are busy at is doomed



و آیین و کارهاشان باطل و تباه است. (۱۳۹) and whatever they have been doing is absurd." (139)

قال أغير الله أبغيكم الها

موسى گفت: آيا غير خدا را براى شما به خدايى طلبم He said: "Should I seek something instead of God as a deity for you,



در صورتی که خداست که شما را بر عالمیان برتری و فضیلت بخشید! (۱۴۰) while He has preferred you ahead of [everyone in] the Universe? (140) و (یاد آرید) هنگامی که شما را از چنگ فرعونیان نجات دادیم When We saved you from Pharaoh's household,

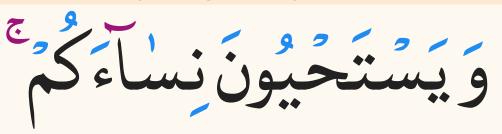


که شما را سخت به عذاب و شکنجه می داشتند، they were imposing the worst torment on you:



يُقْتِلُونَ ابْنَاءُ كُمْ

پسرانتان را کشته they slaughtered your sons



و زنان را زنده (به اسارت و خدمتکاری) می داشتند and spared your women.



وَ فِي ذَلِكُمْ بَالاًءُ

و این شما را از جانب خدا That meant a serious trial



امتحان و تنبیه بزرگی بود. (۱۴۱) from your Lord." (141)



﴿ وَ وَاعَدُنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً

و ما با موسی سی شب وعده قرار دادیم We appointed thirty nights for Moses



و ده شب دیگر بر آن افزودیم and completed them with ten;



فَتُمّ مِيقَاتُ رَبِّهٖ آرَبْمِينَ لَيْلَةً

تا آنکه زمان وعدهٔ پروردگارش به چهل شب تکمیل شد. the appointment with his Lord was complete in forty nights.

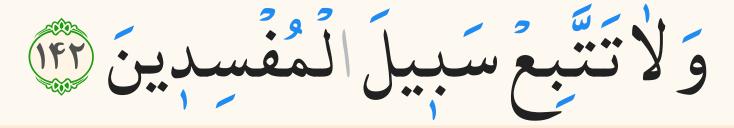


و موسی به برادر خود هارون گفت: Moses told his brother Aaron:



هرُونَ اخْلُفْنِي فِي قُوْمِي وَ أَصْلِحُ

تو اکنون جانشین من در قوم من باش و راه صلاح پیش گیر "Rule my people in my stead and set a good example;



و پیرو راه اهل فساد مباش. (۱۴۲) do not pursue the mischief-makers' course." (142)

وَ لَمَّا جَاءً مُوسَى لِمِيقَاتِنَا

و چون (قوم تقاضای دیدن خدا کردند) موسی (با هفتاد نفر بزرگان قومش که انتخاب When Moses came for Our appointment



شده بودند) وقت معین به وعده گاه ما آمد و خدایش با وی سخن گفت، and his Lord spoke to him,

قال رَبّ أرني أنظر البيك

موسى (به تقاضای جاهلانهٔ قوم خود) عرض کرد که خدایا خود را به من آشکار he said: "My Lord, show [yourself] to me so I may look at You."



بنما که جمال تو را مشاهده کنم. خدا در پاسخ او فرمود که مرا تا ابد نخواهی دید He said: "You will never see Me,

وَ لَكِنِ انْظُرُ إِلَى الْجُبَلِ

و لیکن به کوه بنگر، اگر کوه طور (بدان صلابت، but look at the mountain [instead].



هنگام تجلی) به جای خود برقرار ماند تو نیز مرا خواهی دید. If it remains in its place, then you shall see Me."

فَلَمَّا نَجَلَّى رَبُّهُ ولِلْجَبَلِ

پس آن گاه که تجلی خدایش بر کوه تابش کرد When his Lord displayed his glory to the mountain,



کوه را مندک و متلاشی ساخت و موسی بی هوش افتاد. He left it flattened off, and Moses fell down stunned.

فَلُمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبُحَانَكَ ثُبُتُ

سپس که به هوش آمد عرض کرد: خدایا تو منزه و برتری، به درگاه تو توبه کردم و من (از قوم When he came back to his senses, he said: "Glory be to You!



خود) اول کسی هستم که (به تو و تنزه ذات پاک تو از هر آلایش جسمانی) ایمان دارم. (۱۴۳) l have turned to You and am the first believer! (143)

قَالَ يَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ

خدا فرمود: ای موسی من تو را به مقام پیامرسانی خود He said: "Moses, I have selected you



و همصحبتی خویش بر سایر مردم برگزیدم، ahead of [all] mankind for My messages and My word;



فَخُذُ مَا ءَا تَيْتُلُكُ

پس آنچه را که به تو دادم کاملا فراگیر so accept whatever I may give you



و از شکرگزاران باش. (۱۴۴) and act grateful [for it]." (144)



وَ كَتَبْنَا لَهُ وفِي الْآلُواحِ

و در الواح (تورات آسمانی) از هر موضوع We wrote down a bit of everything for him



برای نصایح و پند و هم تحقیق هر چیز (برای علم و معرفت) on Tablets for instruction



وَ تَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ فَخُذُهَا بِقُوّةٍ

به موسی نوشتیم (و دستور دادیم) که (حقایق و احکام) آن را به قوت (عقل and as an analysis of everything: "Hold to it firmly

وَ أَمْرُ قُوْمَكَ يَاخُذُوا بِأَحْسَنِهَا عَلَيْ الْحُسَنِهَا عَلَيْهُا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهَا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهَا عَلَيْهَا عَلَيْهَا عَلَيْهَا عَلَيْهِ عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهَا عَلَيْهَا عَلَيْهَا عَلَيْهَا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهَا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلَيْهِا عَلْ

و ایمان) فراگیر و قوم را دستور ده که مطالب نیکوتر آن را اخذ کنند، and command your folk to hold on to whatever is best in it.



که (پستی) مقام و منزلت فاسقان را به زودی به شما نشان خواهم داد. (۱۴۵) I shall show you (all) the home for immoral people. (145)



I shall divert those from My signs who have strutted around

من آنان را که در زمین



في الأرض بغير الحكق

به ناحق کبر و بزرگمنشی کنند از آیات خود رو گردان و معرض خواهم ساخت، the earth so proudly without having any right to do so."

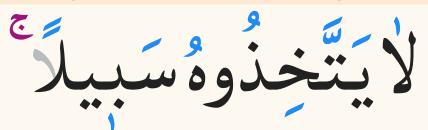
وَإِنْ يَرُوا كُلُّ ءَايَةٍ لَا يُؤُمِنُوا بِهَا

و اگر هر آیتی بینند به آن ایمان نیاورند

Even if they saw every sign, they still would not believe in them.

وَ إِنْ يَرُوا سَبِيلَ الرُّشُدِ

و اگر راه رشد و هدایت یابند If they saw the way to normal behavior they would not accept it



آن را نپیمایند as any way [to behave],



وَإِنْ يَرُوا سَبِيلَ الْغَيِّ

و اگر راه جهل و گمراهی یابند while if they saw any way to err,



آن را پیش گیرند. they would accept it as a course [of action].



ذُلِكَ بِأَنْهُمْ كُذَّبُوا بِعَايَاتِنَا

این (ضلالت آنها) بدین جهت است که آیات ما را تکذیب کردند That is because they have rejected Our signs



و از آنها غافل و معرض بودند. (۱۴۶) and been heedless of them. (146)



11.

وَ النَّذِيرِ وَ كُذَّبُوا بِعَايَاتِنَا

و آنان که آیات (آسمانی) ما و لقاء عالم آخرت را تکذیب کردند Those who reject Our signs and [the idea of]



اعمالشان (که جز برای دنیا نبود) تباه و باطل شود، a meeting in the Hereafter will [see] their works collapse.





آیا جز آنچه میکردند Will they not be rewarded for just



کیفر بینند؟ (۱۴۷)

what they have been doing? (147)

وَ الْخَذَ قُومُ مُوسَى مِنْ بَعُدِهِ مِنْ

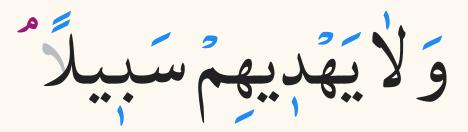
و قوم موسى بعد از او (یعنی بعد از رفتن او به طور برای وعدهٔ حق) مجسمهٔ After he had gone, Moses' folk designed a calf



گوسالهای که صدایی و خُواری داشت، از طلا و زیورهای خود ساخته و پرستیدند. [made] out of their jewelry, a (mere) body that mooed.

المُبروا انه ولا يكلمهم

آیا ندیدند که آن مجسمهٔ بیروح با آنها سخنی نمی گوید Did they not see that it neither spoke to them



و آنها را به راهی هدایت نمیکند؟ (آری دیدند nor guided them along any way?





و از جهل و عناد باز) پی آن گوساله گرفتند و مردمی ستمکار بودند. (۱۴۸) They adopted it and (thereby) became wrongdoers. (148)



و چون به خود آمدند و از آن عمل پشیمان شدند When the matter was dropped in their hands



وَ رَأُوا انْهُمْ قَدْ ضَلُوا

و دیدند که درست گمراهند and they saw that they were lost,



they said: "If our Lord does not show us mercy

(با خود) گفتند: اگر خدا ما را نبخشد



وَيَغْفِرُ لَنَا

و از ما نگذرد and forgive us,



سخت از زیانکاران خواهیم بود. (۱۴۹) we will be losers." (149)



وَ لَمَّا رَجَعَ مُوسَى إلى قُومِهِ

و چون موسى به حال خشم و تأسف When Moses returned angry,



به سوی قوم خود بازگشت، sorrowful to his folk,



قَالَ بِئُسَمًا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعُدِي

به آنان گفت: شما پس از من بسیار بد حفظ الغیب من کردید! he said: "What an awful thing you have committed behind my back!



آیا در امر خدای خود عجله کردید! "Have you tried to hurry up your Lord's command?"

وَ ٱلْقَى الْأَلُواحَ

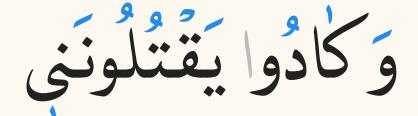
و الواح را به زمین انداخت He dropped the Tablets



و (از فرط غضب) سر برادرش (هارون) را گرفته به سوی خود میکشید، and seized his brother by the head, pulling him towards himself.

قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي

هارون گفت: ای فرزند مادرم، این قوم مرا خوار و زبون داشتند He said: "Son of my mother, the people felt I was weak



تا آنجا که نزدیک بود مرا به قتل رسانند، and they almost killed me!



فَلا تُشْمِتُ بِيَ الْأَعْدَاءَ

پس تو دشمنان را بر من شاد مگردان Don't let any enemies gloat over me



و مرا در عداد مردم ستمكار مشمار. (۱۵۰) nor place me with such wrongdoing folk!" (150)

قَالَ رَبِّ اغْفِرُ لِي وَلِأَخِي

موسی (بر او شفقت کرد و) گفت: پروردگارا، من و برادرم را بیامرز He said: "My Lord, forgive me and my brother,



و ما را در ظلّ رحمت خود داخل گردان، and let us enter Your mercy!



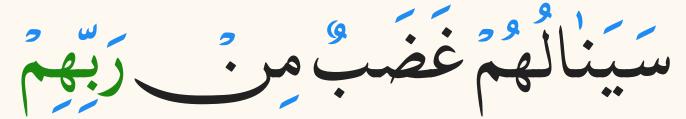


و تو مهربان ترین مهربانانی. (۱۵۱) You are the most Merciful of those who show mercy!" (151)



آنان که گوساله را به پرستش گرفتند Anger and disgrace from their Lord





(آتش قهر و) غضب خدا (در آخرت) و ذلت و خواری will be awarded those who accepted the Calf



در حیات دنیا محقّقاً به آنها خواهد رسید، during worldly life.





و این چنین ما دروغ پردازان را کیفر خواهیم کرد. (۱۵۲) Thus We reward those who invent [such things]; (152)



و آنان که مرتکب عمل زشت شدند as for those who perform evil deeds,



ثُمُّ تَابُوا مِنْ بَعُدِهَا وَ عَامَنُوا

و پس از آن عمل بد، توبه کردند و (به اخلاص) ایمان آوردند، then repent later on and believe,



خدای تو بر آنها بعد از توبه، به یقین بخشنده و مهربان است. (۱۵۳) your Lord will later on be Forgiving, Merciful. (153) 17 V

وَ لَمًّا سَكَتَ عَنْ مُوسَى الْغَضَبُ

و چون غضب موسی فرو نشست When his anger had subsided, Moses picked up



الواح تورات را بر گرفت، the Tablets



وَ فِي نُسْخَتِهَا هُدًى وَ رَحْمَةً

و در صحیفهٔ آن تورات هدایت و رحمت الهی بود whose text contained guidance and mercy



بر آن گروهی که از (قهر) خدای خود می ترسند. (۱۵۴) for those who revere their Lord. (154)

وَ اخْنَارَ مُوسَىٰ قُوْمَهُ و

و موسى هفتاد مرد از قوم خود Moses chose his people,



برای وعدهگاه ما انتخاب کرد، seventy men, for an appointment with Us.



فَلَمَّا آخَذَتُهُمُ الرَّجَفَةُ قَالَ رَبِّ

پس چون لرزشی سخت (به جرم درخواست دیدن خدا به چشم) آنها را در گرفت، موسی When the Tremor seized them, he said: "My Lord, even though You

لَوْ شِئْتَ آهُلُكُتُهُمْ مِنْ قَبُلُ وَ إِيَّاىَ لَوُ شِئْتَ آهُلُكُتُهُمْ مِنْ قَبُلُ وَ إِيَّاىَ

گفت: پروردگارا، اگرمشیّت نافذت تعلق گرفته بود که همهٔ آنها و مرا هلاک کنی (کاش) may have wished to wipe them out and myself (as well) earlier,

أَتُهُلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السَّفَهَاءُ مِنْاً

پیشتر (ازاین وعده) می کردی، آیا ما را به فعل سفیهان ما هلاک خواهی کرد؟ are You wiping us out just because of what some fools among us



این کار جز فتنه و امتحان تو نیست، have done? It is only Your manner of testing:

تضل بها مرث تشاء و

که به این امتحان هر که را خواهی گمراه You let anyone You wish to, go astray by means of it,



و هر که را خواهی هدایت میکنی، and let anyone You wish, to be guided.



أنت ولينا فَاغُفِرُ لَنَا وَارْحَمْنَا ذَا

تویی مولای ما، پس بر ما ببخش و ترحم کن، You are our Patron, so pardon us and show us mercy;

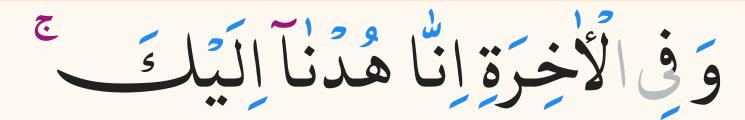


که تویی بهترین آمرزندگان. (۱۵۵) You are the best Pardoner. (155)



﴿ وَاكْتُ لَنَا فِي هٰذِهِ الدُّنيَا حَسَنَةً

و سرنوشت ما را هم در این دنیا و هم در عالم آخرت Prescribe a fine thing for us in this world



نیکویی و ثواب مقدر فرما، که ما به سوی تو بازگشته ایم.

"In and in the Hereafter; let us be guided towards You!"

قَالَ عَذَا بِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ اَشَاءُ وَاللَّهُ عَذَا بِي أَصِيبُ بِهِ مَنْ اَشَاءُ وَاللَّهُ اللَّهُ اللّ

خدا فرمود: عذابم را به هر که خواهم رسانم، He said: "I afflict anyone I wish with My torment



و رحمت من همهٔ موجودات را فرا گرفته while My mercy embraces everything;



فَسَاكُتُبُها لِلَّذِينَ يَتَّقُّونَ

و البته آن را برای آنان که راه تقوا پیش گیرند I shall prescribe it for those who do their duty,



و زکات می دهند pay the welfare tax,





و به آیات ما می گروند حتم و لازم خواهم کرد. (۱۵۶) and who believe in Our signs, (156)



هم آنان که پیروی کنند از آن رسول (ختمی) و پیغمبر امّی those who follow the Messenger, the Unlettered Prophet



النَّذِي يَجِدُونَهُ ومَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ

که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست whom they will find written down for them



(نام و نشان و اوصاف) او را نگاشته مییابند in the Torah and the Gospel.



يأمرهم بالمعروف

که آنها را امر به هر نیکویی He commands them to be decent



و نهی از هر زشتی خواهد کرد and forbids them dishonor.





و بر آنان هر طعام پاکیزه و مطبوع را حلال، He permits them wholesome things

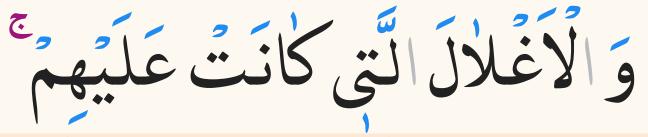


و هر پلید منفور را حرام می گرداند، and prohibits them evil things,



و يضع عنهم إصرهم

و احکام پر رنج و مشقتی را که چون زنجیر به گردن خود نهادهاند and relieves them of their obligation



از آنان برمی دارد (و دین آسان و موافق فطرت بر خلق می آورد).

and the shackles which have lain upon them.



فَالنَّذِينَ عَامَنُوا بِهِ

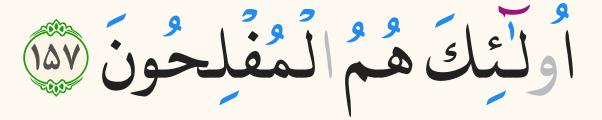
پس آنان که به او گرویدند Those who believe in him,



و از او حرمت و عزت نگاه داشتند و یاری او کردند revere him and support him,

وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ وَ

و نوری را که به او نازل شد پیروی نمودند and follow the Light which was sent down with him;



آن گروه به حقیقت رستگاران عالمند. (۱۵۷) those will be successful." (157)



قُلُ يَا آيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ اللَّهُ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهِ اللَّهُ اللّلَّهُ اللَّهُ اللَّلْمُ الللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ

(ای رسول ما به خلق) بگو که من بر همهٔ شما SAY: "Mankind, for all of you



جنس بشر رسول خدایم، I am but a messenger from God [Alone],



لَهُ مُلْكُ السَّمْوَاتِ وَ الْأَرْضَ

آن خدایی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست،
Who holds control over Heaven and Earth.



هیچ خدایی جز او نیست که زنده میکند و می میراند، There is no deity except Him; He gives life and brings death.





پس باید ایمان به خدا آرید و هم به رسول او Believe in God and His messenger,



پیغمبر امّی (که از هیچ کس جز خدا تعلیم نگرفته) the Unlettered Prophet



يُؤمنُ بِاللَّهِ وَكُلِمَاتِهِ

آن پیغمبری که بس به خدا و سخنان او ایمان دارد، who himself believes in God [Alone] and His words:



و پیرو او شوید، باشد که هدایت یابید. (۱۵۸) follow him so you may be guided." (158)

وَ مِنْ قَوْمٍ مُوسَى أُمَّةً يَهَدُونَ بِالْحُقِ

و جماعتی از قوم موسی هستند که به دین حق هدایت کنند Out of Moses' folk [there grew] a nation who guided by means of the



و به آن دین حکم و دادگری نمایند. (۱۵۹) Truth and dealt justly by means of it. (159) وَ قَطْعُنَاهُمُ اثْنَتَى عَشْرَةَ اسْبَاطًا

و قوم موسى را به دوازده سبط منشعب كرديم كه هر سبطى We split them up into twelve tribes,

أُممًا و أو حينا إلى مُوسى

طایفه ای باشند. و چون امت موسی communities, and inspired Moses

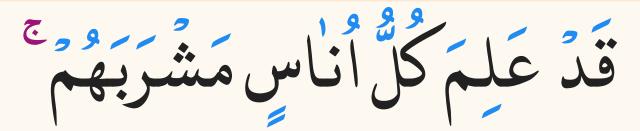


اذ استشفه قومه و

(در آن بیابان بیآب) از او آب طلبیدند when his people asked for water:



به موسی وحی کردیم که عصای خود را بر سنگ زن، "Strike the rock with your staff." پس دوازده چشمهٔ آب از آن سنگ جوشید و جاری شد، Twelve springs gushed forth from it.



هر قبیله آبشخور خود را دانستند. Each set of people knew its own drinking-place.

وَ ظَلَّنَّا عَلَيْهِمُ الْغَمَّامَ

و ما به واسطهٔ ابر بر سر آنها سایه افکندیم We shaded them with clouds

وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَ السَّلُوٰى وَ السَّلُوٰى

و نیز بر آنها منّ و سَلوی (مرغ و ترنجبین) فرستادیم (تا تغذیه کنند، and sent down manna and quail for them:

كُلُوا مِنْ طَيِّباتِ مَا رَزَقْنَاكُمُ عَلَيْ

و گفتیم) از قوتِ لذیذ و پاکیزهای که روزیتان کردیم تناول کنید. "Eat some of the wholesome things which We have supplied you with."

وَ ما ظُلَمُونا

و آنها نه بر ما Yet they did not harm Us,



بلکه بر خویش ستم می کردند. (۱۶۰) but they themselves were the persons whom they harmed. (160)

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هٰذِهِ الْقَرْيَةُ

و چون به قوم موسی امر شد که در این شهر (بیت المقدس) مسکن کنید // When they were told: "Settle down in this town



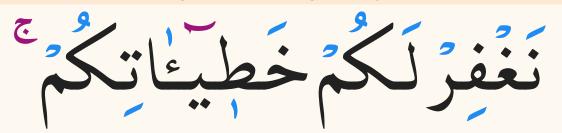
و از هر چه خواستید از طعامهای این شهر تناول کنید and eat wherever you wish in it,



و در دعا بگویید که پروردگارا، گناهان ما را بریز، and say: 'Relieve [us]!'

وَ ادْخُلُوا الْبَاسِ سُجّدًا

و به این در، به تواضع و سجده درآیید Enter the gate [walking] on your knees.



تا از خطاهای شما درگذریم، We will forgive you your mistakes;





که ما نیکوکاران را فزون تر احسان میکنیم. (۱۶۱) We will give even more to those who act kindly," (161)



آن گاه ستمکاران آنها این امر those among them who did wrong changed the statement



قَوْلاً غَيْرَ النَّذِي قِيلَ لَهُمَّ

و گفتاری را که به آنها گفته شده بود به گفتار دیگری تبدیل کردند، into something else than what had been told them;



ما هم به کیفر مخالفت و ستمکاری بر آنها از آسمان so We sent a plague from Heaven upon them





عذابی سخت فرود آوردیم. (۱۶۲) because of how wrong they had been acting. (162)



و (ای رسول ما) بنی اسرائیل را از آن قریه Ask them about the town



حاضرة البَحْرِاذ يَعُدُونَ

که در ساحل دریا بود (دهِ اَیْله و مَدْین) بازپرس آن گاه که which lay facing the sea, when they broke



از حکم (تعطیل روز) شنبه تجاوز کردند، آن گاه که (برای امتحان) the Sabbath. Their fish came to them swimming on the surface



به روز شنبه ماهیان در مشارع پیرامون دریا on their Sabbath Day,

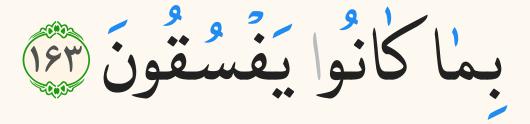


پدیدار شده و در غیر آن روز اصلا پدید نمی آمدند. while any day they did not cease work, it did not come to them.





بدین گونه ما آنان را Thus We tested them



به سبب فسق و نافرمانی آزمایش می کردیم. (۱۶۳) since they had been acting so immorally. (163)

وَ إِذْ قَالَتُ أُمَّةً مِنْهُمْ

و چون (پند و موعظهٔ ناصحین در آنها اثری نکرد) جمعی از آن گروه گفتند: Whenever a community among them said:



چرا قومی را که از جانب خدا به هلاک و یا به عذاب سخت محکومند "Why do you lecture a folk whom God will destroy anyhow,

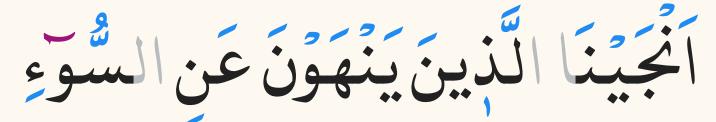
باز موعظه می کنید؟ ناصحان گفتند: پند ما معذرت (و اتمام حجت) است or [at least] punish them severely?" they said: "To gain absolution



از جانب پروردگارتان، و دیگر آنکه شاید (اثر کند و) تقوا پیشه کنند. (۱۶۴) from your Lord, and so they may do their duty." (164)

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهَ

و چون هر چه به آنها تذکر داده شد در آن غفلت ورزیدند When they forgot what they had been reminded of,



ما هم آن جماعت را که از کار بد منع مینمودند نجات بخشیدیم We rescued those who had forbidden evil while We seized



وَ أَخَذُنَا النَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابِ

و آنان را که ظلم و ستمکاری کردند those who were doing wrong with dreadful torment



به کیفر فسقشان به عذابی سخت گرفتار کردیم. (۱۶۵) because they had been acting so immorally. (165)



فَلَمًّا عَتُوا عَنْ مَا نَهُوا عَنْهُ

پس چون سرکشی و تکبر کرده و آنچه ممنوع بود مرتکب شدند به آنها گفتیم When they became insolent about what had been forbidden them,



به شکل بوزینه شوید و بسی دور و بازمانده از رحمت خدا باشید. (۱۶۶)

We told them: "Become apes who will be chased away." (166)

وَ إِذْ تَاذَنَ رَبُّكَ لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمُ إِلَى

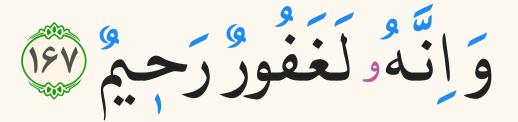
و آن گاه که خدای تو اعلام نمود که تا روز قیامت So your Lord announced that He would send someone against them

يوم القيمة من يسومهم سوء العذاب

کسی را به عقوبت و عذاب سخت بر آنها برانگیزد، who would impose the worst torment on them until Resurrection Day

إِنْ رَبُّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ

که پروردگار تو همانا زود کیفر کنندهٔ (ستمکاران) Your Lord is Prompt with punishment,



و (به خلق) بسیار بخشنده و مهربان است. (۱۶۷) while He is (also) Forgiving, Merciful. (167)

وَ قَطْعُنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَمَمًا تَ

و بنی اسرائیل را در روی زمین به شعبی متفرق ساختیم، We split them up into nations (that exist) on earth.



بعضی از آنها صالح و درستکارند و برخی فروتر از آنان (در درجه و منزلت)، Some of them are honorable while some of them are otherwise.

وَ بَلُونَاهُمْ بِالْحُسَنَاتِ وَ السَّيَّاتِ

و آنها را به خوشی ها و ناخوشی ها بیازمودیم، We have tested them with fine things and evil things



باشد که (به حکم حق) بازگردند. (۱۶۸) so they might repent. (168)



فَخُلُفَ مِنْ بَعُدِهِمْ خُلُفُ

پس از آنکه پیشینیانشان درگذشتند اخلاف و بازماندگانشان Successors replaced them afterward



وارث کتاب آسمانی شدند who inherited the Book,



يَأْخُذُونَ عَرضَ هٰذَا الْآدُني

در حالی که متاع پست این دنیا را برمی گزینند taking on the show of this lowly place

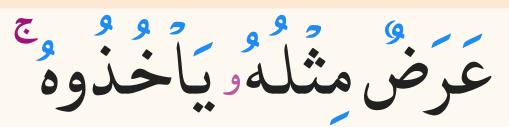


و گویند ما بخشیده خواهیم شد، "and saying: "It will be forgiven us."





و چنانچه مثل آن مال از متاع دنیا که یافتند If a show like it



باز (از هر راه حرام و خیانت) بیابند برگیرند. were given them (again), they would accept it.



ٱلمُ يُؤْخَذُ عَلَيْهِمُ مِيثَاقُ الْكِتَابِ

آیا از آنان پیمان کتاب آسمانی گرفته نشد که به خدا Was not an agreement concerning the Book accepted by them:



جز حرف حق و سخن راست نسبت ندهند that they would tell nothing but the Truth about God?



و درسوا ما فیه

و آنچه در کتاب است درس گیرند؟ They studied what was in it.



و منزل ابدی آخرت برای مردم پرهیزکار بسی بهتر است، A home in the Hereafter is better for those who do their duty-



آیا تعقل نمی کنید؟ (۱۶۹) do they not use their reason? (169)



و آنان که متوسل به کتاب آسمانی شوند As for those who hold onto the Book



وَ أَقَامُوا الصَّلْوة

و نماز به پا دارند، and keep up prayer-



ما اجر درستكاران را ضايع نخواهيم گذاشت. (۱۷۰) We shall never forfeit reformers' wages. (170)



﴿ وَاذْ نَتْقَنَا الْجَبَلُ فَوْقَهُمْ

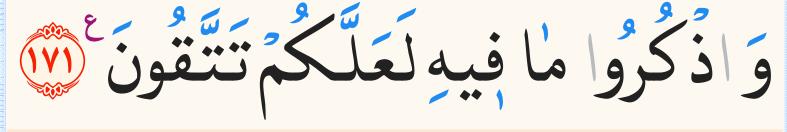
و آن گاه که کوه طور را از جای برکندیم و مانند قطعهٔ ابری Thus We suspended the Mountain over them as if



بر فراز سر آنها برآوردیم که پنداشتند بر آنها فرو خواهد افتاد it were an awning, and they thought it was going to fall down on them

خُذُوا ما الما الثيناكم بقوة

(و امر کردیم) دستور توراتی که به شما آمد با قوّت (ایمان و عقیدهٔ محکم) اخذ "Hold on firmly to anything We have given you



کنید و آنچه در آن مذکور است متذکر شوید، باشد که پرهیزکار شوید. (۱۷۱) and remember what is in it, so that you may do your duty!" (171) 🍐

وَإِذْ أَخُذُ رَبُّكَ مِنْ بَنِي عَادُمَ

و به یاد آر هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم When your Lord took their offspring from



ذرّیّهٔ آنها را برگرفت the Children of Adam's loins,



وَ اشْهَدُهُمْ عَلَى انْفُسِهِمْ

و آنها را بر خودشان گواه ساخت and made them bear witness about themselves:



که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: بلی، ما گواهی دهیم. "Am I not your Lord?"; they said: "Of course, we testify to it!"

أَنُ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيْمَةِ

(و ما این گواهی گرفتیم) که دیگر در روز قیامت نگویید:

lest you (all) might say on Resurrection Day:



ما از این واقعه غافل بودیم. (۱۷۲) "We were unaware of this;" (172)

أو تَقُولُوا إِنَّمَا اشْرَكَ عَابًا وَنَا

یا آنکه نگویید که منحصراً پدران ما or lest you say: "It was only our forefathers who associated

به دین شرک بودند و ما هم فرزندان بعد از آنها بودیم، [others with God] previously; we are offspring following them.



آیا به عمل زشت اهل باطل Will You wipe us out



ما را به هلاکت خواهی رسانید؟ (۱۷۳) because of what futile men have done?" (173)

و كذلك نفصل الأيات

و بدین گونه ما آیات خود را تفصیل میدهیم (تا آیات ما را بفهمند)
Thus We spell out signs



و باشد که بازگردند. (۱۷۴) so that they may repent. (174)





و بخوان بر این مردم (بر قوم یهود) حکایت آن کس (بَلْعَم باعور) را Recite news to them about someone to whom



که ما آیات خود را به او عطا کردیم، We gave Our signs.



و او از آن آیات بیرون رفت و شیطان او را تعقیب کرد He slipped away from them, so Satan followed him

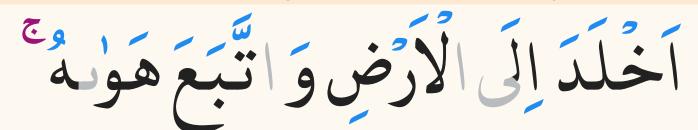


تا از گمراهان عالم گردید. (۱۷۵) and he became misguided. (175)



و لو شئنا لرفعناه بها و لكنه و

و اگر می خواستیم به آن آیات او را رفعت مقام می بخشیدیم، لیکن If We had so wished, We might have raised him up by means of them,



او به زمین (تن) فروماند و پیرو هوای نفس گردید، but he clung to the earth and followed his own whim.

فَمَثُلُهُ وَكُمثُلِ الْكُلُبِ إِنْ تَحْمِلُ الْكُلُبِ إِنْ تَحْمِلُ

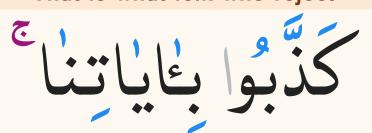
و در این صورت مَثَل و حکایت حال او به سگی ماند که اگر He might be compared to a dog: no matter how you drive him off, he



بر او حمله کنی و یا او را به حال خود واگذاری به عوعو زبان کشد. just pants away. Or if you leave him alone, he still pants on.



این است مَثَل مردمی که آیات ما را That is what folk who reject



بعد از علم به آن تكذيب كردند. Our signs are like;



فَا قَصِصِ الْقَصِص

پس این حکایت بگو، tell such stories



باشد که به فکر آیند. (۱۷۶) so they may think things over. (176)



ساء مَثلًا الْقُومُ الّذِينَ كَذَّبُوا بِالْاتِنَا

مَثَل حال گروهی که آیات ما را تکذیب کردند How evil is the comparison of folk who reject Our signs;



و به خویش ستم می کردند بسیار بد مَثَلی است. (۱۷۷) it is their own souls they hurt! (177)

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَ مَنْ

هر که را خدا هدایت فرماید هم اوست که هدایت یافته، و آنها را که Anyone whom God guides has been (really) guided;



به گمراهی واگذارد، هم آنان زیانکاران عالمند. (۱۷۸) while those He lets go astray will be the losers. (178)

وَ لَقَدُ ذَرَانًا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا

و محققاً بسیاری از جن و انس را We have bred many sprites



برای جهنم آفریدیم، and humans for Hell:



لَهُمْ قُلُوبِ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا

چه آنکه آنها را دلهایی است بی ادراک و معرفت، they have hearts they do not understand with,

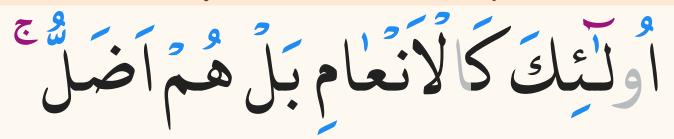


و دیدههایی بینور و بصیرت، and eyes they do not see with,



وَ لَهُمْ عَاذَاتِ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا آخَ

و گوشهایی ناشنوای حقیقت، and ears they do not hear with. Those persons are



آنها مانند چهارپایانند بلکه بسی گمراه ترند، like livestock; in fact, they are even further off the track,



آنها همان مردمی هستند که غافلاند. (۱۷۹) they are so heedless! (179)

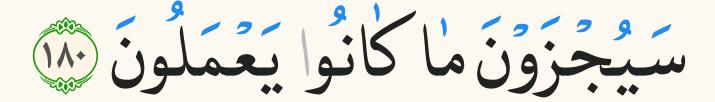


و خدا را نیکوترین نامهاست، بدانها خدا را بخوانید، God has the Finest Names, so appeal to Him by name



وَ ذَرُوا النَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي اَسُمَائِهُ

و آنان را که در نامهای او به انحراف می گرایند به خود واگذارید، and leave those who blaspheme against His names alone;



که به زودی کردار بدشان را مجازات خواهند دید. (۱۸۰) they will be rewarded for whatever they have been doing. (180) وَ مِمَّنَ خُلَقْنَا أَمَّةً يَهَدُونَ بِالْحُقِ

و از خلقی که آفریده ایم فرقه ای به حق هدایت میکنند Some of those whom We have created form a nation which guides [men]



و به حق حکم و دادگری میکنند. (۱۸۱) by means of the Truth, and because of it they act justly. (181)

وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِعَايَاتِنَا

و آنان که آیات ما را تکذیب کردند We shall gradually bring those who reject Our signs



به زودی آنها را به عذاب و هلاکت می افکنیم from a place





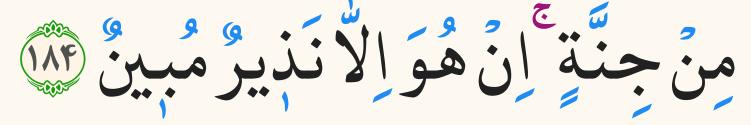
از جایی که فهم آن نکنند. (۱۸۲) they do not recognize. (182)



روزی چند به آنها مهلت دهیم، که همانا مکر و عقاب من بس شدید است. (۱۸۳) δ I shall let them go on, for My scheme is sure. (183)

او كم يتفكروا ما بصاحبهم

آیا این مردم فکر نکردند که صاحب آنها (یعنی پیامبر) هرگز جنونی در او Have they not thought things over? There is no madness



نیست؟ او فقط ترسانندهٔ خلق است (از اهوال قیامت) به بیانی روشن. (۱۸۴) in their companion; he is merely a plain warner. (184)

او كم يَنْظُرُوا في مَلَكُوتِ السَّمْوَاتِ

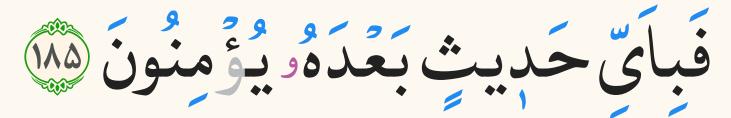
آیا فکر و نظر در ملکوت آسمانها و زمین Have they not observed in the sovereignty over Heaven

وَ الْأَرْضِ وَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ

و در هر چه خدا آفریده نکردند and Earth and whatever God has created of any sort,

وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ

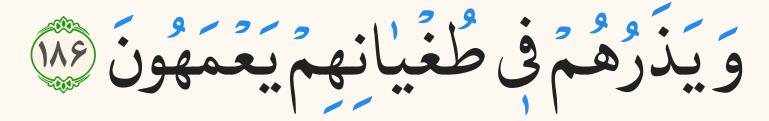
و در این که اجل و مرگ آنها بسا باشد که به آنان بسیار نزدیک شده باشد؟ that perhaps their deadline may be approaching?



پس به چه حدیثی بعد از این (کتاب مبارک آسمانی) ایمان خواهند آورد؟ (۱۸۵)

In what report will they believe later on? (185)

هر که را خدا گمراه خواست هیچ کس رهنمای او نباشد، و چنین گمراهان Anyone whom God lets go astray will have no guide;



را خدا در طغیان و سرکشی خود به حیرت و ضلالت واگذارد. (۱۸۶) He leaves them groping along in their arrogance. (186)

يَسْعُلُونَكَ عَن السَّاعَةِ

(ای رسول ما) از تو احوال و ساعت قیامت را سؤال خواهند کرد They may ask you about the Hour:

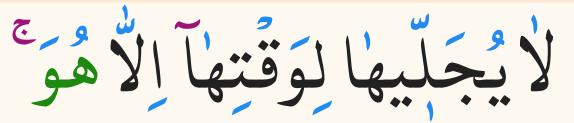


که چه وقت فراخواهد رسید؟ "When will it arrive?"



قُلُ إِنَّمًا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي وَ

پاسخ ده که علم آن منحصرا نزد ربّ و خدای من است، SAY: "Knowledge about it rests only with my Lord;

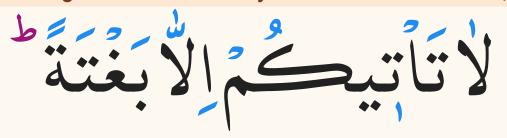


کسی به جز او آن را به هنگامش آشکار نکند، He Alone will disclose its time.



ثَقُلتُ فِي السَّمٰوَاتِ وَ الْأَرْضِ

(شأن) آن ساعت در آسمانها و زمین بسی سنگین و عظیم است، Things will seem heavy in Heaven and Earth;



نیاید شما را مگر ناگهانی. it will simply come upon you all of a sudden!"



از تو می پرسند They will even ask you



گویی تو کاملاً بدان آگاهی.

as if you yourself were anxious about it.

قُلُ إِنَّمًا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ

بگو: علم آن ساعت محققاً نزد خداست،

SAY: "Knowledge about it rests only with God,



لیکن اکثر مردم آگاه نیستند. (۱۸۷) though most people do not realize it." (187)



قُلُ لا آمُلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلا ضَرًّا"

بگو که من مالک نفع و ضرر خویش نیستم

SAY: "I control no advantage nor any disadvantage by myself



مگر آنچه خدا خواسته، except whatever God may wish.



وَ لَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبَ

و اگر من از غیب (جز آنچه به وحی میدانم) آگاه بودم If I had known the Unseen,



بر خير و نفع خود هميشه مىافزودم I would have tried to increase [my share] of good,



وَ مَا مُسَنِى السُّوءُ إِنْ أَنَا

و هیچگاه زیان و رنج نمی دیدم، من نیستم while no evil would ever touch me. I am merely



مگر رسولی ترساننده، و بشارت دهندهٔ گروهی که اهل ایمانند. (۱۸۸) a warner and newsbearer for people who believe." (188) اوست خدایی که همهٔ شما را از یک تن بیافرید He is the One Who has created you (all) from a single soul,

و جعل منها زوجها لِيسَكُن البها

و از (نوع) او نیز جفتش را مقرر داشت تا به او انس و آرام گیرد، and made its mate from it, so he may settle down with her.

فَلَمَّا تَغَشَّهَا

و چون با او خلوت کرد Once he has covered her,



باری سبک برداشت، پس با آن بار حمل، چندی بزیست she conceives a light burden and walks around [unnoticed] with it;

فَلَمَّا آثُقَلَتُ دَعُوا اللَّهُ رَبُّهُمَا

تا سنگین شد، آن گاه هر دو خدا و پروردگار خود را خواندند then when she begins to feel heavy, they both appeal to God,



که اگر به ما فرزندی صالح (و تندرست) عطا کردی their Lord: "If You will grant us a healthy [child],





البته از شکرگزاران خواهیم بود. (۱۸۹) we will be grateful." (189)



پس چون به آن پدر و مادر فرزندی صالح (و تندرست) عطا کرد مشرک شدند \Diamond Once He gives them a healthy child,

جَعَلا لَهُ وشَرَكاء فِيما ءَا تَهُمَا جَالًا لَهُ وشَرَكاء فِيما ءَا تَهُمَا حَالَا لَهُ وَسُرَكاء فِيما أَءَا

وبرای خدا در آنچه به آنها عطاکرد شریک قرار دادند (یعنی فرزندان خود را به نام بتها نامیدند they both set up associates for Him despite what He has given them.



مثل عبداللات وعبدالعّزى)، و خداى تعالى برتراست از آنچه شریک او سازند. (۱۹۰) Exalted is God over anything they may associate [with Him]! (190)

اَيْشُرِكُونَ مَا لَا يَجْلُقُ شَيْعًا

آیا این چیزهایی را که هیچ موجود را خلق نتوانند کرد و خود مخلوق (خدا) Do they associate something [with God] that has never created



هستند شریک خدا قرار می دهند؟ (۱۹۱) anything, while they themselves have been created? (191)

وَ لا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا

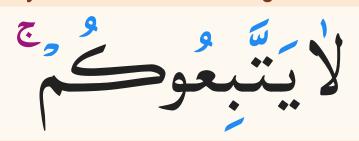
در صورتی که آنها نه هرگز به مشرکان They cannot offer them any support



و نه به خود یاری توانند کرد. (۱۹۲) nor can they even assist themselves! (192)

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدٰى

و اگر آنها را (یعنی بتپرستان را) به راه هدایت بخوانید If you summon them to guidance,

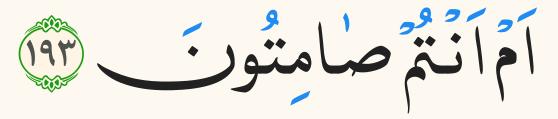


پیروی شما (مؤمنان) نخواهند کرد، they will not follow you;



سَوْاءً عَلَيْكُمُ ادْعُوتُمُوهُمُ

بر شما یکسان است که آنها را بخوانید it is the same for you whether you appeal to them

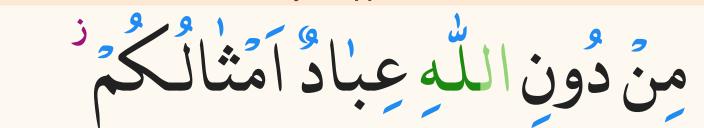


یا خاموش بمانید. (۱۹۳) or keep silent: (193)





غیر خدا هر آن کس را که شما (مشرکان و یهود و نصاری) به خدایی میخوانید "Those you appeal to instead of



(مانند بتان و عیسی و عُزَیر و غیره) به حقیقت همه مثل شما بندگانی هستند، to God are servants just like yourselves.

فَادَعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ

اگر راستگویید آنها را بخوانید تا مشکلات Appeal to them so they may respond to you



و حوائج شما را روا كنند. (۱۹۴) if you are so truthful! (194)



اَلَهُمُ ارْجُلُ بَمْشُونَ بِهَا آ

آیا آن بتان را پایی است که راهی پیمایند Have they feet to walk with,



یا دستی که از آستین قدرت بیرون آرند، or hands to grasp things with,



ام لهم أعين يبصرون بها ت

یا چشم و گوشی or eyes to see with,

آم كهم عاذان بشمعون بهاط

که به آن ببینند و بشنوند؟ "?or ears to listen with



قُلِ ادْعُوا شُركاءً كُمْ

بگو: شریکان (باطل) خود را بخوانید و هر حیلت SAY: "Appeal to your associates [instead of to God];



که با من می توانید به کار برید بی آنکه هیچ مرا مهلت بدهید. (۱۹۵) then plot away against me, and do not wait for me [to act]! (195) 🍐

إِنَّ وَلِي اللهُ النَّهُ النَّ

مرا دوست و یاور، به حقیقت خدایی است که این کتاب (قرآن) را فرستاده My Patron is God [Alone], who has sent down the Book.



و اوست که نیکوکاران را دوستی و سرپرستی میکند. (۱۹۶) He befriends the honorable (196)

وَ النَّذِينَ تَدُعُونَ مِنْ دُونِهِ

و آنهایی را که شما خدا می خوانید جز خدای یکتا while those you appeal to instead of Him



هیچ یک قدرت بر یاری شما cannot lend you any support





بلکه بریاری خود ندارند. (۱۹۷) nor do they even support themselves. (197)

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا

و اگر آنها را به راه هدایت خوانید نخواهند شنید (یعنی بتان چون گوش و بت پرستان

If you summon them to guidance, they will not hear,

وَ تَرْبُهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ

چون هوش ندارند دعوت اسلام را نپذیرند. وای رسول مایاای اهل عقل و بینش) تو می بینی and you will see them looking towards you



که آنها (بتان یا بتپرستان) در تو مینگرند ولی نمیبینند. (۱۹۸) while they are [really] not seeing [anything]." (198)

خُذِ الْعَفُو وَ أَمْرُ بِالْعُرُفِ

طریقهٔ عفو و بخشش پیشگیر و امت را به نیکوکاری امرکن Practise forgiveness, command decency;



و از مردم نادان روی بگردان. (۱۹۹) and avoid ignorant people. (199)



وَ إِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزُغُ

و چنانچه بخواهد از طرف شیطان (انس و جن) در تو وسوسه If some urge from Satan should prompt you,



و جنبشی پدید آید، به خدا پناه بر seek refuge with God;





که او به حقیقت شنوا و داناست. (۲۰۰) He is Alert, Aware. (200)



The ones who perform their duty bear it in mind

چون اهل تقوا را



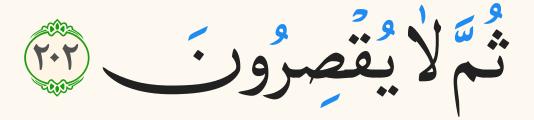
از شیطان وسوسه و خیالی به دل فرا رسد همان دم whenever some impulse from Satan bothers them,



خدا را به یاد آرند و همان لحظه بصیرت و بینایی پیدا کنند. (۲۰۱) and so they are granted insight. (201)

وَ إِخُوانَهُمْ يُمَدُّونَهُمْ فِي الْغَيِّ

و مشرکان را برادرانشان (یعنی شیاطین انس و جن) به راه ضلالت Their brethren will trail off into aimlessness;



و گمراهی میکشند و هیچ کوتاهی نمیکنند. (۲۰۲) therefore do not interfere with them. (202)



وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بِعَايَةٍ

و هر زمان که تو آیتی بر آنها نیاوری If you had not brought them any sign,



بر تو اعتراض كنند كه چرا آيتى فراهم نساختى؟ they would (still) say: "Why didn't you pick one out?"



قِلُ إِنَّمَا آتِبِعُ مَا يُوحِي

بگو: من تنها پیروی از آنچه از خدایم SAY: "I follow only what has been inspired

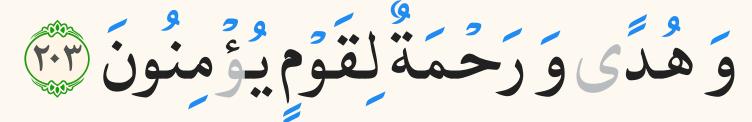


به من وحی رسد خواهم کرد، in me by my Lord.





این آیات قرآن است مایهٔ بصیرتهایی از جانب پروردگار شما These are insights from Your Lord,



و هدایت و رحمتی برای گروهی که ایمان آورند. (۲۰۳) as well as guidance and mercy for folk who believe." (203) و چون قرآن قرائت شود همه گوش بدان فرا دهید Whenever the Qur'an is being recited, listen to it [attentively]



و سكوت كنيد، باشد كه مورد لطف و رحمت حق شويد. (۲۰۴) and hush, so that you may receive mercy. (204)

وَ اذْ صُرْرَبُّكُ فِي نَفْسِكَ

خدای خود را Keep your Lord in mind within your own soul,



با تضرّع و پنهانی beseeching and fearfully,



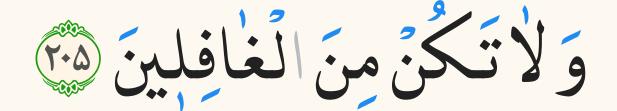
وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقُولِ

و بیآنکه آواز برکشی، without raising your voice,



در صبح و شام یاد کن both in the early morning and in the evening;





و از غافلان مباش. (۲۰۵) do not act so heedless! (205)



آنان (یعنی ارواح و فرشتگانی) که در حضور پروردگار تو اند، Those who are with your Lord لايستكرون عن عبادته إلى

هیچ گاه از بندگی او سرکشی نکنند do not feel too proud to worship Him; they glorify Him

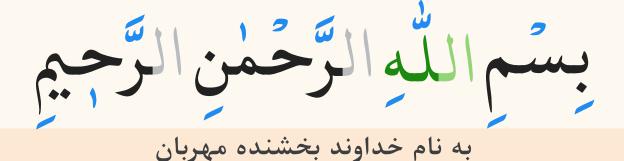


و پیوسته به تسبیح و تنزیه ذات احدیت و به سجدهٔ او مشغولند. (۲۰۶) and drop down on their knees before Him. (206)



سوره ۸ – ۵۷ آیه – مدنی

Surah 8: (Al-Anfal)



In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!

﴿ يُسْعَلُونَكُ عَنِ الْأَنْفَالِ وَ الْأَنْفَالِ الْمُعَالِدِ الْمُنْفَالِ

(ای رسول ما) امت از تو حکم انفال را سؤال کنند They will ask you about Booty.



جواب ده که انفال مخصوص خدا و رسول است SAY: "Booty belongs to God and the Messenger,



فَاتَقُوا اللَّهُ

پس شما مؤمنان باید از خدا بترسید so heed God



و در رضایت و مسالمت و اتحاد بین خودتان بکوشید and patch up any [differences] that may stand between you.



وَ أَطِيعُوا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ

و خدا و رسول او را اطاعت کنید Obey God and His messenger



اگر اهل ایمانید. (۱) if you are believers." (1)

6

إنْمَا الْمُؤُمِنُونَ الَّذِينَ

مؤمنان حقیقی آنانند که Believers are merely



چون ذکری از خدا شود دلهاشان ترسان و لرزان شود those whose hearts feel wary whenever God is mentioned



وَ إِذَا تُلِبَتُ عَلَيْهِمُ ءَايَاتُهُ وَزَادَتُهُمْ

و چون آیات خدا را بر آنها تلاوت کنند بر مقام ایمانشان and whose faith increases when His verses are recited



بیفزاید و به خدای خود در هر کار توکل میکنند. (۲) to them. On their Lord do they rely. (2)

آلذين يقيمون الصّلوة

آنان که نماز را به پا می دارند Those who keep up prayer



و از هر چه روزی آنها کرده ایم انفاق میکنند. (۳) and spend some of whatever We have provided them with (3)

اولاً على هم المؤمنون حقا

آنها به راستی و حقیقت اهل ایمانند are truly believers.



که نزد خدا مراتب بلند They hold rank before their Lord,





و آمرزش و روزیِ نیکو دارند. (۴) as well as forgiveness and generous provision, (4)

كَمَا ٱخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْنِكَ بِالْحُقِ

همان گونه که خدا تو را از خانهٔ خود به حق (در جنگ بدر) بیرون آورد just as your Lord sent you forth from your home with the Truth, 👌

وَ إِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤُمنِينَ

و گروهی از مؤمنان، سخت رأی خلاف even though a group of believers



و کراهت اظهار کردند. (۵) disliked it. (5)



يجادِلُونك فِي الْحُقِّ بَعْدَ مَا تَبَيْنَ

(مردم نادان) در حکم حق با آنگه حق آشکار و روشن گردید با تو جدل و نزاع خواهند They will argue with you about the Truth even after it has been explained,

كَأَنَّما بُسَاقُونَ إِلَى الْمُونِ

کرد (و چنان حکم حق و طاعت خدا بر آنها دشوار و سخت است) که گویی معاینه می نگرند just as if they were only being driven along towards death



که آنها را به جانب مرگ میکشند. (۶) and were expecting it. (6)



به یاد آر هنگامی که خدا به شما وعدهٔ فتح بریکی از دو طایفه را می داد
When God promised you that one of the two bands

انها لَحُمْ وَ تُودُونَ

(غلبه بر سپاه قریش یا کاروان تجاری شام) و شما مسلمین مایل بودید would be yours, you preferred



که آن طایفه که شوکت و سلاحی همراه ندارند نصیب شما شود، the one that had no weapons [to fall] to you,

و خدا می خواست که حق را با سخنان خود (که وعدهٔ پیروزی حق را داده است) while God wanted the Truth to be verified through His words



ثابت گرداند و از بیخ و بن ریشهٔ کافران را برکند. (۷) and to cut off the last remnant of the disbelievers (7)

لِيُحِقُ الْحُقَّ وَيُبَطِلُ الْبَاطِلُ

تا حق را محقق و پایدار کند و باطل را محو و نابود سازد so He might verify the Truth and disprove falsehood

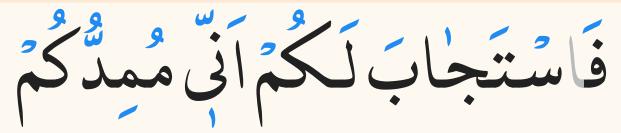


هر چند بدکاران را خوش نیاید. (۸) no matter how criminals might dislike it. (8)





(به یاد آرید) هنگامی که استغاثه و زاری به پروردگار خود میکردید، Thus you (all) implored your Lord,



پس دعای شما را اجابت کرد که من سپاهی منظم so He responded to you: "I will reinforce you





از هزار فرشته به مدد شما می فرستم. (۹) with a thousand angels riding up one after another." (9)



و این مدد فرشتگان را خدا نفرستاد مگر آنکه بشارت و مژدهٔ فتح باشد God granted it merely as good tidings

وَ لِتَطْمَئِنَ بِهِ قَلُوبُكُمْ

و تا دلهای شما (به وعدهٔ خدا) مطمئن شود to calm your hearts.



و (بدانید که) نصرت و فیروزی نیست مگر از جانب خدا، Support comes only from God;





که خدا را کمال قدرت و حکمت است. (۱۰) God is Powerful, Wise. (10)



(یاد آرید) هنگامی که خواب راحت را بر شما فرو پوشاند برای اینکه Thus He caused drowsiness to overcome you as an assurance from Him,

وَ يُنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

از جانب او ایمنی یابید و از آسمان آبی می فرستاد که شما را and sent down water from the sky on you

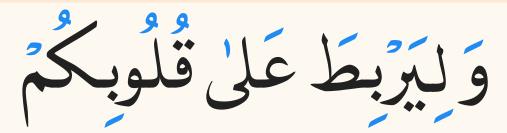


به آن آب، پاک گرداند to cleanse you with



وَ يُذُهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ

و وسوسه و کید شیطان را از شما دور سازد and to remove Satan's blight from you,



و دلهای شما را محکم و استوار گرداند and to bind up your hearts

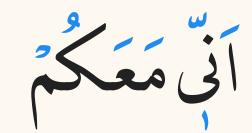




و گامهای شما را استوار بدارد. (۱۱) and brace your feet with it. (11)



(و یاد آر ای رسول) آن گاه که پروردگار تو، به فرشتگان وحی کرد So your Lord inspired the angels:



که من با شمایم،
"I am with you,



پس مؤمنان را ثابت قدم بدارید، so brace those who believe.



که همانا من ترس در دل کافران I shall cast panic into the hearts of



مىافكنم، those who disbelieve;



فَاضُرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ

پس گردنها را بزنید so strike at the nape of their necks



و همهٔ انگشتان را قطع کنید. (۱۲) and beat every [last] fingertip of theirs!" (12)



این کیفر کافران برای آن است که That is because



با خدا و رسول او سخت ضدّیت و مخالفت کردند they have split off from God and His messenger.



وَ مَنْ يُشَاقِق اللَّهُ وَ رَسُولُهُ و

و هر کس با خدا و رسول او راه شقاق و مخالفت پیماید Anyone who splits off from God and His messenger



(بترسد که) عقاب خدا بسیار سخت است. (۱۳)

[will find out] that God is Stern in punishment. (13)



ذُلِكُمْ فَذُوقُوهُ

این (عذاب مختصر قتل و اسارت) را بچشید و (بدانید که)

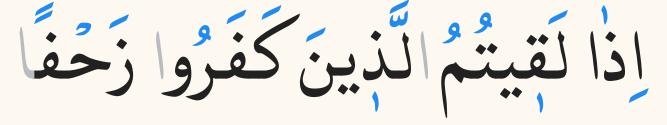
That is [how it is], so taste it;



برای کافران در قیامت عذاب سخت آتش دوزخ مهیّاست. (۱۴) disbelievers will have fiery torment! (14)

يا آيها الذير عامنوا

ای اهل ایمان، You who believe,



هرگاه با گروه مهاجم کافران در میدان کارزار روبرو شوید whenever you meet those who disbelieve,



مبادا پشت به آنها کرده و از جنگ بگریزید. (۱۵) do not turn your backs on them as they go marching along. (15)



و هر که در روز جنگ به آنها پشت نماید و فرار کند Anyone who turns his back on them on such a day,



الأمتحرفًا لِقتالٍ

به طرف غضب و خشم خدا روی آورده except while manoeuvring for battle



و جایگاهش دوزخ که بدترین منزل است خواهد بود or wheeling towards some detachment,



فَقَدُ بِأَء بِغَضِبِ مِنَ اللَّهِ

مگر آنکه از میمنه به میسره و یا از قلب به جناح will incur wrath from God; his lodging



برای مصالح جنگی رود یا از فرقهای به یاری فرقهای دیگر شتابد. (۱۶) will be Hell and how awful is such a goal! (16)



(ای مؤمنان) نه شما You (all) do not kill them



بلکه خدا کافران را کشت but God kills them.



وَ مَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ

و (ای رسول) چون تو تیر (یا خاک) افکندی نه تو You did not shoot [anything]



بلکه خدا افکند (تا کافران را شکست دهد) when you shot [arrows or spears] but God threw [them]



وَلِيْبَلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلاَّءً حَسَنًا ﴿

و برای آنکه مؤمنان را به آزمونی نیکو از سوی خود بیازماید، so He may test believers, as a handsome test from Himself.



که خدا شنوا و داناست. (۱۷) God is Alert, Wise. (17)



این (فتح و غلبه در جنگ به خواست خدا) شما را نصیب شد That is [how it is]; since God is the One



و محققاً خدا بى اثر كنندهٔ مكر كفار است. (١٨) Who will frustrate the disbelievers' plot. (18)



إنْ تَسْتَفْتِحُوا فَقَدُ جَاءً كُمُ الْفَتْحُ

(ای کافران) اگر شما از خدا فتح و نصرت می طلبید اینک فتح کامل شما را رسید، If you sought to conquer, then victory has already come to you.



اکنون اگر (از کفر و عناد با حق) دست بردارید شما را بهتر است Yet if you would only stop, it would be better for you;

وَإِنْ تَعُودُوا نَعُدُ وَلَنْ تُغْنِى عَنْكُمْ

و اگر دیگر بار بازآیید ما هم شما را باز کیفر و عذاب کنیم while if you do it over again, We too shall do so again. Your



و هرگز جمعیت و سپاه شما هر چند بسیار باشد شما را سودمند نخواهد بود، detachment will not give you any advantage no matter how numerous it is.



و خدا البته با اهل ايمان است. (١٩) God stands alongside believers. (19)

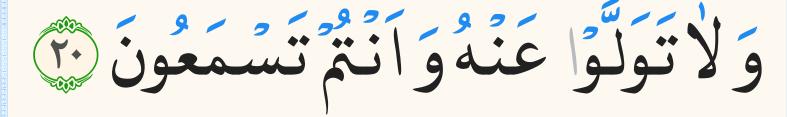


ای کسانی که ایمان آوردهاید، You who believe,



أطبعوا الله و رسوله

خدا و رسول را اطاعت کنید obey God and His messenger;



و از او سرنپیچید در حالی که شما (سخنان حق را) می شنوید. (۲۰) do not turn away from Him while you are within earshot. (20)

وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعُنَا ٢٠٠

و شما مؤمنان چون کسانی (منافقان) نباشید که گفتند شنیدیم، "Do not be like those who say: "We have heard,"



و به حقیقت نمی شنوند. (۲۱) while they were not even listening. (21)



بدترین جانوران نزد خدا The worst animals before God



كسانى هستند كه (از شنيدن و گفتن حرف حق) كر و لالند are the deaf and dumb, those who





که اصلاً تعقل نمیکنند. (۲۲) do not use their reason. (22)

وَ لَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَاسْمَعَهُمْ

اگر خدا در آنها خیر و صلاحی می دید آنها را شنوا می کرد If God had known about any good in them, He would have made 🍐

وَ لُو اَسْمَعُهُمْ لَتُولُوا

و اگر هم شنوا کند باز رو گردانند them hear; yet even though He were to make them hear,



و اعراض كنند. (۲۳) they would still turn away and shun [Him]. (23)



يا آيها النبين عامنوا استجيبوا لله

ای اهل ایمان، چون خدا و رسول، شما را به آنچه مایهٔ حیات ابدی You who believe, respond to God and the Messenger



whenever He invites you to something that will make you live.

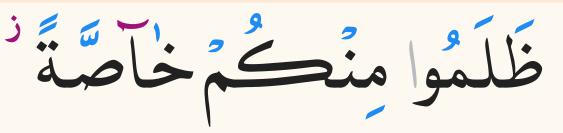
و بدانید که خدا در میان شخص و قلب او حایل می شود (و از اسرار درونی Know that God slips in between a man and his heart,



همه آگاه است) و همه به سوی او محشور خواهید شد. (۲۴) and to Him you will (all) be summoned. (24)

وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ

و بترسید از بلایی که چون آید تنها مخصوص ستمکاران شما Do your duty lest dissension strike those of



نباشد (بلکه ظالمان و مظلومان همه را فرا گیرد) you especially who do wrong.



واعْلَمُوا

و بدانید که Know



عقاب خدا بسیار سخت است. (۲۵) that God is Severe in punishment. (25)



وَ اذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَالِيلٌ

و به یاد آرید زمانی که عدهٔ قلیلی بودید Remember when you were so few,



که شما را ضعیف و خوار در زمین (مکه) می شمردند disdained as helpless souls on earth,



تخافون أن يتخطفكم الناس

و از مردم (مشرک) بر خود ترسان بودید که مبادا شما را (از روی زمین) برچینند، fearing lest men would kidnap you,



بعد از آن خدا شما را در پناه خود آورد و به یاری خود نیرومندی و نصرت and how He sheltered you and aided you with His support,

وَ رَزْقَكُمْ مِنَ الطِّيّباتِ

به شما عطا کرد و از پاکیزه ترین (غنائم و) طعامها روزی شما فرمود، and provided you with wholesome things



باشد که شکر به جای آرید. (۲۶) so that you might act grateful. (26)



يا آيها الذير عامنوا

ای کسانی که ایمان آوردید، You who believe,

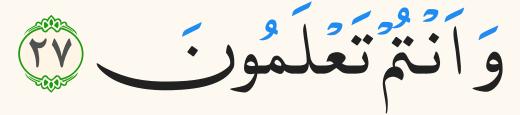


زنهار (در کار دین) با خدا و رسول do not betray God and the Messenger,



وَ تَخُونُوا اماناتِكُمْ

و در امانتهای خود با یکدیگر خیانت مکنید nor knowingly betray

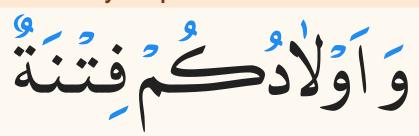


در صورتی که می دانید. (۲۷) your own trusts. (27)



وَ اعْلَمُوا انْمَا آمُوالُكُمْ

و محققاً بدانید که شما را اموال و فرزندان، Know that your possessions and children



فتنه و ابتلایی بیش نیست are merely a trial,



٠.



و در حقیقت while God



اجر عظیم نزد خداست. (۲۸) holds a splendid wage. (28)



يا آيها النبير عامنوا

ای اهل ایمان، اگر خداترس و پرهیزکار شوید خدا به شما فرقان بخشد You who believe,

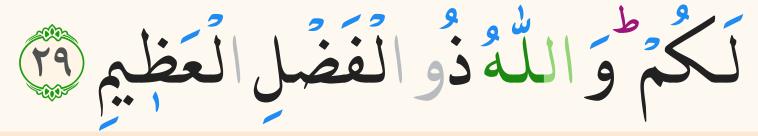


(یعنی دیدهٔ بصیرت دهد تا به نور باطن، حق را از باطل فرق گذارید) if you heed God, He will grant you a Standard,



وَ يُكُفِّرُ عَنْكُمْ سَيَّاتِكُمْ وَيَغْفِرُ

و گناهان شما را بپوشاند و شما را بیامرزد، absolve your evil deeds for you, and forgive you.



که خدا دارای فضل و رحمت بزرگ است. (۲۹) God possesses such splendid bounty! (29) وَ إِذْ يَمُكُرُ بِكَ النَّذِيرِ : كَفُرُوا

و (به یاد آر) وقتی که کافران با تو مکر میکردند Whenever those who disbelieve plot against you,

لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُجْرِجُوكَ *

تا تو را به بند کشند یا به قتل رسانند یا از شهر بیرون کنند، to pin you down or kill you or exile you,

وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ الللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ ال

و آنها (با تو) مکر میکنند خدا هم (با آنها) مکر میکند they plot away while God is plotting too,



و خدا بهتر از هر کس، مکر تواند کرد. (۳۰) and God is the best Plotter! (30)



وَ إِذَا تُتَلَّىٰ عَلَيْهِمُ ءَايَاتُنَا

و چون بر آنان آیات ما تلاوت شود Whenever Our verses are recited to them,



گویند: شنیدیم،

they say: "We have heard (it) already;



لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَٰذَا

اگر ما هم می خواستیم مانند آن می گفتیم، if we wished to, we'd say the same as this.



این چیزی جز افسانهٔ پیشینیان نیست. (۳۱)

These are only legends by primitive people!" (31)



وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ

و آن گاه که گفتند: خدایا When they say: "O God,



اگر این قرآن به راستی بر حق و از جانب توست if this is the Truth from You,



فَأُمْطِرُ عَلَيْنًا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ

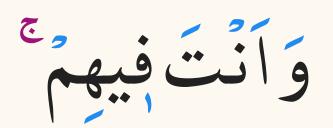
پس یا بر سرمان سنگهایی از آسمان ببار then rain down stones from Heaven on us,



یا ما را به عذابی دردناک گرفتار ساز! (۳۲) or give us painful torment!" (32)



ولی خدا تا تو (پیغمبر رحمت) در میان آنها هستی God is not apt to punish them



آنان را عذاب نخواهد کرد while you are among them,



وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ

و نیز مادامی که به درگاه خدا توبه و استغفار کنند nor will God be their tormenter



باز خدا آنها را عذاب نکند. (۳۳) so long as they seek forgiveness. (33)



وَ مَا لَهُمُ الْآ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ وَمَا لَهُمُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ اللَّهُ

و آنها چه کردند که خدا عذابشان نکند؟! What do they have, that God should not punish them



در صورتی که راه مسجد الحرام را (به روی بندگان خدا) می بندند for blocking off the Hallowed Mosque

وَ مَا كَانُوا اوَلِيَاءَهُو

و آنها سرپرستان (شایستهٔ تولیت) آن نیستند، while they are not its protectors?



سرپرستان آن به جز اهل تقوا نباشند، Its protectors are only the heedful,





لیکن اکثر مردم آگاه نیستند. (۳۴)
even though most of them do not realize it. (34)



و نماز آنها در خانهٔ کعبه جز صفیر و کفزدنی (که خلق را از خانهٔ خدا منع میکند)

Their prayer at the House

الأمكاء وتصرية فذوقوا العذاب

چیزی دیگر نیست، پس (در آخرت به آنها خطاب شود) بچشید طعم عذاب را consists only of whistling and clapping: "Taste torment



به کیفر آنکه به خدا کافر بودید. (۳۵) since you have disbelieved!" (35) کافران اموالشان را انفاق میکنند Those who disbelieve spend their money



برای این مقصود که راه خدا را ببندند to block off God's way.





پس به زودی مالهایشان بر سر این خیال باطل برود و حسرتش They will go on spending it; then regret will be their lot.



بر دل آنها بماند و آن گاه مغلوب نیز خواهند شد، Next they will be defeated



وَ النَّذِينَ كَفَرُوا

و کافران را and those who disbelieve



به سوی جهنم جمعاً رهسپار سازند. (۳۶) will be summoned unto Hell (36)



لِيمِيزَ اللَّهُ الْحُبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ

تا آنکه خدا پلید را از پاکیزه جدا سازد so God may sort out the bad from the good



و پلیدان را بعضی با بعضی دیگر درآمیزد and pile some of the bad on top of the rest,



فَيْرَكُمُهُ وَجَمِيعًا فَيُجَعَلَهُ وَفِي جَهَنَّمُ

و با هم گرد آورد آن گاه همه را در آتش دوزخ افکند، so He may heap them all up together and drop them into Hell.



که آنها زیانکاران عالمند. (۳۷) Those will be the losers! (37)



44.



(ای رسول ما) کافران را بگو که اگر (از کفر خود)
Tell those who disbelieve that anything



دست کشیده و به راه ایمان بازآیند هر چه از پیش کردهاند بخشیده شود، they have done in the past will be forgiven once they stop [doing so],

وَ إِنَّ يَعُودُوا

واگرباز (به کفروعصیان) روی آرند سنّت الهی دربارهٔ پیشینیان درگذشته است (یعنی حکم while if they should ever do it over again,



ازلی براین قرارگرفته که مؤمنان را عزیز و بهشتی کند و کافران را ذلیل و دوزخی گرداند). (۳۸) the precedent with the earliest men has already been set. (38)

و (ای مؤمنان) با کافران بجنگید تا دیگر فتنه Fight them off until there is no more persecution,

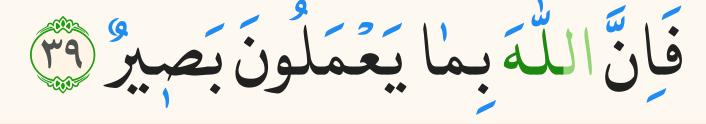


و فسادی نماند و آیین همه دین خدا گردد، and Religion belongs wholly to God:





و چنانچه دست (از کفر) کشیدند yet if they do stop,



خدا به اعمالشان بیناست. (۳۹) then God is Observant of anything they do. (39)





و اگر پشت کردند، If they should turn away,



پس بدانید که البته خدا یار شماست، then know that God is your Protector;





که بهترین یار how splendid such a Protector is,



و بهترین یاور است. (۴۰) and how favored is such a Supporter! (40)









easy.reading.quran



negaresh.asan negareshasanpub 🥏





www.negaresh-asan.ir